فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۶
صفحات ۵۹ – ۷۷

تحلیل گفتمان اصلاح معرفت دینی در مواعظ سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی

حسین مفتخری[۱]
قدیر نجف زاده شوکی[۲]
سعید موسوی سیانی[۳]

چکیده

بازتولید کشمکش‌های گفتمانی نیروهای سنت‌گرا، تجـددخواه و اصـلاح‌گرایـان دینـی عصر مشروطه در جامعه معاصر ایـران، بازاندیشـی میـراث فکـری ایـن گفتمـان‌هـا را ضروری کرده است. تحلیل گفتمان اصلاح معرفـت دینـی در عصـر مشـروطه پاسـخی بدین نیاز است. از این‌رو به‌منظور بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفـت دینـی روزنامه *الجمال* مورد بررسی قرار گرفـت. در ایـن بررسـی بـر اسـاس تحلیـل انتقـادی گفتمان به تحلیل شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی پرداخته شد. بر اساس ایـن چارچوب نظری هر متنی برساخته بافتار تاریخی است و از طریق کـنش بیناگفتمـانی و جذب میراث اندیشگی سایر گفتمان‌ها صورت‌بندی می‌شود. با کاربست تحلیل انتقـادی گفتمان بر روزنامه *الجمـال* نشان داده شد که بحران‌های بافتار تاریخی عصـر مشـروطه همچون استبداد داخلی، استعمار خارجی و موضـع‌گیـری نسـبت بـه عناصـر فرهنگـی مدرنیته از دشواره‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی بوده است. روزنامه *الجمال* بـه‌مثابـه یکی از کاربران این گفتمان کوشید تا با جذب عناصر مطلوب از گفتمان‌های سنت‌گرا و تجددخواه و تولید کنش بینا گفتمانی، پاسخ درخوری به دشواره‌های مزبور بدهد.

کلیدواژه‌ها: روزنامه *الجمال*، گفتمان اصلاح معرفـت دینـی، سـید جمـال‌الـدین واعـظ اصفهانی، عصر مشروطه، تحلیل انتقادی گفتمان، کنش بیناگفتمانی.

---

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران. moftakhari@khu.ac.ir
۲. دانشـجوی دکتـری تـاریخ ایـران بعـد از اسـلام دانشـگاه خـوارزمی تهـران (نویسـنده مسـئول). najafzadehghadir@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز. saiedmoosavi_1369@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

مقدمه

آشنایی اندیشه‌وران ایرانی با مظاهر تمدن غربی که به‌موازات شکست‌های قاجاریه از روس‌ها پیش می‌رفت، نوعی ذهنیت عقب‌ماندگی را در ایشان پدیدار ساخت. طبیعتا زیستن تحت فشار سنت‌های دینی و کاربست این سنت‌ها در مشروعیت دهی به مناسبات جاری قدرت، خوانش‌های دینی را برای اندیشه‌وران دغدغه‌مند به دشواره تبدیل کرد. دشواره‌ای که جز از طریق پاسخ بدان، امکان مواجه با دنیای جدید شدنی نبود. از این‌رو حوزه دین همچون سیاست و اقتصاد از تأثیرات دنیای مدرن برکنار نماند. در این شرایط کشمکش گفتمانی عصر مشروطه شکل گرفت. مهم‌ترین نمایندگان این کشمکش، یعنی گفتمان‌های تجددخواه، سنت‌گرا و اصلاح‌گرایان دینی همچنان در جامعه کنونی ایران وجود دارند و به‌واسطه بازتابندگی خوانش‌هایی که از دین ارائه می‌دهند به تعیّن کنش‌های اجتماعی کارگزاران حاضر درصحنه جامعه ایرانی می‌پردازند. از این‌رو بازشناسی شاخصه‌های فکری گفتمان‌های مزبور می‌تواند به درک منطق کشمکش‌های گفتمانی جاری در جامعه کنونی ایران منجر شود. بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی، یا به تعبیر دیگر تحلیل گفتمان اصلاح معرفت دینی، مسئله‌ای است که پاسخ بدان در مقاله پیش‌رو پی گرفته می‌شود. در این میان، روزنامه *الجمال* به‌ویژه مقاله‌های سید جمال الدین واعظ اصفهانی مورد بازخوانی قرار گرفته تا در پرتو آن شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی استنباط و بازشناسی شود.

ابتدا مفهوم «تحلیل گفتمان اصلاح معرفت دینی» و چارچوب نظری این پژوهش تبیین می‌شود. بنا به تعریف فوکو، «گفتمان» مجموعه گزاره‌هایی است که به زبان امکان می‌دهد درباره موضوعی خاص در لحظه تاریخی خاصی سخن بگوید یا دانش مربوط به آن موضوع را به‌گونه‌ای بازنمایی کند (هال، ۸۵). در اینجا منظور او از گفتمان نظامی است که شیوه ادراک انسان از واقعیت را تعیین، مقید و محدود می‌سازد (قهرمانی، ۲۹). در این تلقی گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان یا یکی از وجوه آن و فهم آن است. به زبانی دقیق‌تر منظور از گفتمان این است که زبان در چارچوب قالب‌هایی ساختاربندی شده و انسان‌ها به هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند (یورگنسن و همکار، ۱۷). تحلیل گفتمان به‌منظور محقق نمودن این هدف بـه «تعبیـه سـازوکار مناسـب و اعمـال آن در کشف و تبیین ارتباط متن با کارکردهای فکری و اجتماعی آن» می‌پردازد (یارمحمـدی، ۱٦۵). اما منظور از اصلاح معرفت دینی بازگشت بـه کـلام خداونـد و مـتن مقـدس و پیراستن دین از زوائد و غباری است که به‌مرور زمان بر چهره آن نشسته است.

به تعبیر دقیق‌تر، کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی بـه دنبـال فـرارفـتن از تفسـیر تحت‌اللفظی قرآن و دیگر نصوص دینی، عقل‌گرایی در فهم آیات و روایات و به‌تبع آن مبارزه با خرافات و بدعت‌های دینی، مراجعه مستقیم به آیات قـرآن و نقـد جـدی بـر اسلام تاریخی است تا با بـه کـار بسـتن اصـل تسـاهل و تسـامح و روش‌هـای نـو در آموزش‌وپرورش در مدارس جدید، موجب آگاهی‌بخشی سیاسی و فرهنگی مردم بـرای آشنایی با حقوقشان و مبارزه با استبداد شود. اگرچه برخـی از محققـان قـدمت جریـان اصلاح فکر دینی را حتی تا قرون نخستین اسلامی بـازمی‌گردانند (یوسـفی اشـکوری، ۱۹۲). اما زمینه‌های پیدایی جریان اصلاح فکر دینی به‌صورت جدی از نیمـه دوم قـرن ۱۳هجری در جوامع اسلامی و ایران مطرح شد. تحلیل انتقادی گفتمان چارچوب نظری این پژوهش برای بازشناسی شاخصه‌های گفتمانی در روزنامه *الجمال* است.

در تحلیل انتقادی گفتمان، متن در نسبت با بافت‌هـای کـلان فرهنگـی، اجتمـاعی و سیاسی تحلیل می‌شود. به بیانی دقیق‌تـر رابطـه‌ای دیـالکتیکی میـان کـنش گفتمـانی و موقعیت و ساختارهای اجتماعی برقرار می‌شود؛ در ایـن صـورت شـرایط اجتمـاعی و فرهنگی بافتار تاریخی، گفتمان‌ها را شکل می‌دهد و آن‌هـا را تحـت تـأثیر خـود قـرار می‌دهد و در مقابل، گفتمان‌ها نیز بر این شرایط و ساختارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارند. به تعبیر دیگر، کنش گفتمانی ابعاد غیر گفتمـانی جهـان اجتمـاعی را بـه همـان انـدازه بازتولید کرده یا تغییر می‌دهد که دیگر ابعاد جهان اجتماعی به گفتمان‌ها شکل می‌بخشد (قهرمانی، ۳۹-٤۰). در واقع گفتمان‌ها هم برساخته بافتارهای تاریخی و هـم برسـازنده بافتارهای تاریخی هستند. هدف تحلیل‌گر انتقادی گفتمان، آشکارسازی ایـن ارتباطـات پوشیده و غیرطبیعی‌سازی این ساختارهای طبیعی جلوه داده شده است. درواقع آنان در پی آگاهی‌بخشی و افزایش هوشیاری نسبت به این مسئله هستند که چگونـه زبـانی کـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

مبتنی بر مفروضات عقل سلیم می‌نمایاند در روند سلطه برخی بر برخی دیگر ایفای نقش می‌کند و اینکه چگونه مفروضات عقل سلیم در رابطه‌ای ایدئولوژیک با قدرت شکل می‌گیرند (همو، ۳۹-۷۱). در این میان مفاهیم «بینامتنیت» و «بیناگفتمانیت» برای آشکار نمودن رابطه متن با شرایط تاریخی و کارکردهای ایدئولوژیک متن به تحلیل‌گر انتقادی گفتمان کمک می‌کند.

بر اساس مفهوم بیناگفتمانیت، نمی‌توان متن را در خلأ و خارج از روابط بینامتنی و بیناگفتمانی آن فهم کرد. بلکه می‌بایست به رابطه آن با بستر اجتماعی و فرهنگی و شبکه بینامتنی‌اش توجه کرد. این نوعی تأکید بر ماهیت تاریخ‌مند متون است. در واقع تمامی رویدادهای ارتباطی به رویدادهای پیش از خود وابسته‌اند و به‌واسطه آنها معنا می‌یابند. حال بیناگفتمانیت نوعی از بینامتنیت است که در آن گفتمان‌های مختلف با یکدیگر مفصل‌بندی شده‌اند. بر اساس این تلقی هر متن صورتِ جذب‌شده و دگرسان شده متون دیگر یا به تعبیر دیگر برآیند برهم‌کنش متون دیگر است (همو، ۷۶-۷۷). بدین ترتیب بازتولید گفتمان یا تغییر گفتمان را می‌توان از طریق تحلیل روابط میان گفتمان‌های مختلف درون یک نظم گفتمانی بررسی کرد (یورگنسن و همکار، ۱۲۸).

در این پژوهش با تکیه‌بر این چارچوب نظری به تحلیل و استنباط شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه پرداخته شده است. بدین منظور در بخش نخست بر نقش تعیّن‌بخش مؤلفه‌های مؤثر بافتار تاریخی نگارش روزنامه *الجمال* در صورت‌بندی محتوای آن توجه شده سپس در بخش دوم مقاله شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی، که در نسبت با این شرایط شکل گرفته‌اند، نمایان شده‌است.

مؤلفه‌های مؤثر بافتار تاریخی نگارش روزنامه *الجمال*

اگر برساخت‌گرایی اجتماعی را همچون مبانی هستی‌شناسی و معرفتی تحلیل انتقادی گفتمان بپذیریم، در این‌صورت بایستی برای همه اشکال معرفت، خاستگاه‌ها و ریشه‌های انسانی قائل شد و فرآورده‌های معرفتی را بازتاب‌دهنده علایق، منافع و نیازهای گروه‌ها در نظر گرفت. بر این اساس، که تحت عنوان ایده تعیّن اجتماعی و فرهنگی معرفت شناخته می‌شود، اشکال مختلف، معرفت ذاتی ذهن انسان نیستند؛ بلکه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

بازتاب یکی از شیوه‌های وجود انسانی‌اند. به بیانی ساده‌تر، اگر معرفت یک برساخته تاریخی و محصول شیوه‌های تفکر، علایق و منافع ما در واقعیت باشد، در این‌صورت هرگونه تحلیل و بررسی در مورد چنین معرفتی ناگزیر از در نظر گرفتن مؤلفه‌های مؤثر بافتار تاریخی حاکم بر آن است (مک کارتی، ۲۲-۵۷). بر اساس این فرض، ایده‌های موجود در روزنامه *الجمال* و همچنین انگیزه مؤلفان توسط شرایط تاریخی حاکم بر نگارش روزنامه و در پاسخ به نیازها و دشواره‌هایی شکل گرفته است که در آن برهه تاریخی کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی را احاطه کرده و برداشت ایشان از شرایط را شکل داده است. ازاین‌روی اشاره بدین مؤلفه‌های تأثیرگذار بافتار تاریخی، شرط فهمِ کنش گفتمانی کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی است.

استبداد داخلی در جوامع اسلامی و همچنین استعمار خارجی مهم‌ترین مؤلفه‌های بافتار تاریخی نیمه دوم قرن سیزدهم هجری بود که زمینه‌ساز طرح و صورت‌بندی گفتمان اصلاح معرفت دینی به‌صورت اصولی و شاخص در جوامع اسلامی شد. البته استبداد دینی نیز به دلیل منافع خود همیشه همراه و پشتیبان استبداد دینی و نظام مطلقه بوده است. اتحاد و ارتباط این دو شاخه از استبداد به‌مرور جامعه مسلمانان را به تباهی و تیره‌روزی کشانده است (آدمیت، ۲٤٥-۲٤٦).

از سوی دیگر جریان نخبگان میانه عصر قاجار در جبهه داخلی با پدیده استبداد و در جبهه خارجی با مسئله استعمار مواجه بود. به‌گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین عوامل تحرک نخبگان مسئله استعمار و خطرات آن برای جهان اسلام بود. در میانه عصر قاجار تقریباً تمام جوامع اسلامی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به‌نوعی درگیر با استعمار بودند. اگرچه نفوذ استعمار غرب به جهان اسلام از آغاز عصر بیداری در اروپا آغاز شده بود اما روند این نفوذ از نیمه قرن نوزدهم به بعد با شدت بیشتری دنبال شد و کشورهای اروپایی با اهداف استعماری در بیشتر مناطق کشورهای اسلامی حضور داشتند (لاپیدوس، ۷۷٦-۷۷۹). درنتیجه این شرایط و متعاقب با ورود اندیشه‌های غربی به ایران در سده نوزدهم، در افکار و اذهان برخی از اندیشمندان ایرانی شک و تردیدهایی درباره برداشت‌های دینی‌شان ظاهر شد و متأثر از مواجه‌شدن هرچه بیشتر غرب با شرق و مشخص شدن تفاوت‌های آنها در زمینه‌های مختلف، جدال میان سنت و تجدد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

آغاز شد. از عصر مشروطه، با تعبیر عصر گذار از سنت به تجدد یاد شده‌است. ویژگی بارز عصر گذار، دوگانگی درونی و حس زیستن هم‌زمان در دو جهان متفاوت است (برمن، ١٦).

به نظر می‌رسد «مناسبات شریعت و تجدد» گره‌گاهی بود که گفتمان اصلاح معرفت دینی پیرامون آن صورت‌بندی شد. درواقع کاربران این گفتمان به‌مانند سایر نخبگان ایران اواخر قرن نوزدهم درصدد برآمدند تا نسبت میان مقولات و مفاهیم تمدن غربی، همچون مدرنیسم، فردگرایی، سکولاریسم، اومانیسم، مشروطه، مجلس، تفکیک قوا، قرارداد اجتماعی، حقوق بشر، روشنفکری، فنّاوری و نظایر آن را با آموزه‌ها و تعالیم اسلامی روشن سازند و موارد رد، پذیرش و گزینش آنها را مشخص نمایند. به همین‌رو در ایران و سایر جوامع اسلامی برای توضیح این مقولات و نشان دادن انطباق، اشتراک و افتراق آنها با دین و مذهب و متعاقب آن اتخاذ مواضع موافق یا مخالف تلاش‌های بسیاری صورت گرفته‌است. تحولات تاریخی ایران این گره‌گاه را برای کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی نمایان کرده بودکه می‌توان آن را تحت عنوان فساد و زوال داخلی جوامع اسلامی (استبداد) و گسترش نفوذ قدرت‌های غربی (استعمار) صورت‌بندی کرد. تحولاتی همچون افزایش تماس با غرب از عهد صفویه، پیامدهای ناگوار چندین جنگ با روسیه، کوشش‌های نافرجام اصلاح‌گرانی همچون امیرکبیر، تأسیس چاپخانه، اعزام دانشجو به خارج و سرانجام نفوذ افکار و ایده‌های روشنفکرانه از غرب زمینه‌های به چالش کشیده شدن تلقی سنت‌گرایانه از دین را موجب شد و ضمن متأثر ساختن نخبگان، ایشان را متوجه دو مقوله استبداد و استعمار کرد.

نخستین واکنش، نخبگانی بودند که با پافشاری بر سنت‌های اسلامی و قرائت سنتی از اسلام، سنت غربی و مفاهیم و آموزه‌های آن، را یکسره جریانی منحرف ارزیابی می‌کردند. این گروه به‌عنوان کاربران گفتمان سنت‌گرا، چشم خود را بر تحولات جدید بسته و به‌جای شناخت غرب، یکسره به رد و انکار آن می‌پرداختند و بر ضرورت ستیز با هر آنچه که رنگ نو و نشان فرنگی داشت، تأکید می‌ورزیدند. از کاربران این گفتمان می‌توان به حاج ملاعلی کنی، مجتهد دوره ناصری اشاره کرد که در نامه خود به ناصرالدین‌شاه از کلمه آزادی با عنوان «کلمه قبیحه آزادی» تعبیر می‌کند (راوندی،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

۵۷٤/۲). دومین واکنش از سوی گفتمان تجددخواه ارائه شد. کاربران این گفتمان علت عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را در دین اسلام جستجو می‌کردند و آن را دینی که مخالف فلسفه و عقل و مروج تعبد و تعصب است، معرفی می‌کردند و راه برون‌رفت از این مشکل را تقلید مطلق از غرب و کنار نهادن دین و آیین خویش به‌ویژه ترک اسلام فقاهتی و آموزه‌های آن می‌دانستند. مهم‌ترین کاربر این گفتمان تقی‌زاده بود.

در این میان گفتمانی دیگر از طریق کنشی بینا گفتمانی و با جذب آرای دو گفتمان نخست شکل گرفت که در این مقاله به آن عنوان گفتمان اصلاح معرفت دینی داده شد. این گروه در آسیب‌شناسی خود از دشواره مزبور به پدیده جذب عقاید زائد و منحط در دین ارجاع داده و بازگشت به اسلام اصیل را راه نجات و برون‌رفت از شرایط بحرانی نیمه دوم قرن نوزدهم تلقی می‌کرد. این گروه اصحابی از اسلام فقاهتی بودند که در رویکردی مثبت به مفاهیم و آموزه‌های سنت غربی، قرائتی نو از اسلام عرضه کردند که نتیجه آن به نیکی یاد کردن از آن مفاهیم تازه بود. نائینی که در رساله خود از دو واژه مساوات و برابری با عنوان کلمه‌های طیبه و مبارکه یاد می‌کند و همچنین شیخ هادی نجم‌آبادی، روحانی نوگرا از مهم‌ترین کاربران این گفتمان بودند.

شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در روزنامه *الجمال*

روزنامه هفتگی *الجمال* در سال ۱۳۲۵ق برابر با ۱۹۰۷م در روزهای داغ مشروطیت با مدیریت میرزا محمدحسین اصفهانی در تهران با چاپ سربی منتشر می‌شد. این روزنامه مواعظ و خطابه‌های ناطق نامدار سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی را منتشر می‌کرد (براون، ۳۲۱). سید جمال واعظ مشهورترین واعظ پس از مشروطه در مساجد بسیاری در تهران سخنرانی می‌کرد (جمال‌زاده، ۳۷). مطالب *الجمال* را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱) مواعظ سید جمال‌الدین واعظ ۲) سایر مطالب. از بررسی آماری این روزنامه مشخص می‌شود که از ۱٤۰ صفحه نشریه ۸٤ صفحه آن به‌صورت کامل به مواعظ سید جمال اختصاص یافته، ۱۹ صفحه به‌صورت مشترک میان مواعظ سید جمال و مطالب دیگر تقسیم شده و تنها ۳۷ صفحه مستقل وجود دارد. در کل نشریه فقط در سه شماره ۲۹، ۳۳ و ۳٤ مواعظ سید جمال چاپ نشده است. مشخصه بارز روزنامه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

الجمال این بود که مشروطیت را به زبان ساده برای مردم توضیح می‌داد و همین امر آن را از روزنامه‌های حزبی و سیاسی آن روزگار متمایز می‌کرد. مهم‌ترین ویژگی *الجمال* در حوزه روزنامه‌نگاری، آن بود که روزنامه را از شکل کالای انحصاری خواص خارج و به میان توده مردم برد، چنانکه سید احمد طباطبایی در مورد او گفته که سید جمال‌الدین آن‌قدر به مردم گفت روزنامه بخوانید که آنها «روزنامه خواندن را جزو ضروریات مذهب» می‌دانستند (کسروی، ۲۹۰). سید جمال از یک‌سو سعی داشت مطالب روزنامه را با آیات قرآن و احادیث نبوی منطبق کند و از سوی دیگر زبانی نرم و ملایم را برگزیند تا حساسیت محمدعلی شاه و طرفدارانش را به دنبال نداشته باشد. این روزنامه با چنین سبکی منشور حقوق بشر فرانسوی را با روایت بومی تشریح و با دین و فرهنگ عامه مردم سازگار کرد. روی‌هم‌رفته *الجمال* در تاریخ ایران نشریه‌ای منحصربه‌فرد است. از شاخصه‌های مهم روزنامه *الجمال* مبارزه علنی با روحانیون قشری مذهب بود. او در بالای منابر، چنین روحانیونی را به سوءاستفاده از احساسات دینی مردم متهم می‌کرد (یغمایی، ٢٦٤). در شماره اول روزنامه *الجمال* انگیزه‌ها و شرایط بافتار تاریخی نشر این روزنامه و دشواره‌ها و پاسخ‌های مقبول گفتمان اصلاح معرفت دینی اعلام شده است: «جمعی از مشترکین محترم دارالخلافه تهران و بسیاری از سایر بلدان بما نوشته و اخطار کرده که قدری از مواعظ شافیه و بیانات وافیه جناب مستطاب...آقای آقا سید جمال‌الدین صدرالمحققین را در روزنامه ندای وطن بنگاریم که حقیقتاً کلمات دلپذیرش قلوب افسرده‌دلان را روان و انفاس مقدسه‌اش ابدان مرده را جان بخشد و الحق از اثر داد و فریاد او است که همشهری‌های ما از خواب سیصدساله بیدار شدند و به هیجان آمدند و او اول کسی است که به این صراحت و وضوح مسائل سیاسیه را در فراز منبر حل نمود و اصول امر به معروف و نهی از منکر را به اقتضای زمان اجرا فرمود و مردمان عامی درس نخوانده را از بیان کافی و تبیان شافی خود دانا و به حدود انسانیت آشنا و به استرداد حقوق مغصوبه خود توانا ساخت» (*الجمال*، ش ۱، ۱).

در ادامه به‌منظور بازشناسی و تحلیل مبسوط‌تر دشواره‌ها و همچنین پاسخی که روزنامه *الجمال*، به‌مثابه شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی، به این دشواره‌ها

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

می‌دهد به تحلیل مطالب روزنامه حول چهار محور بازگشت به آموزه‌های قرآنی، وظایف نهاد روحانیت و مناسباتش با نهاد سیاست، ضرورت بازگشت به اسلام اصیل و درنهایت جذب عناصر فرهنگی مدرنیته پرداخته می‌شود.

۱- بازگشت به آموزه‌های قرآن

جریان اصلاح معرفت دینی، مکتب تازه‌ای در تفسیر قرآن گشود. این مکتب با استفاده از «خرد بشری» به دنبال هم‌سنخ کردن اسلام با عرف جدید بود (فراستخواه، ۱۹۰-۱۹۱). ضرورت بازگشت دوباره به آموزه‌های اصیل قرآن یکی از شاخصه‌هایی گفتمان اصلاح معرفت دینی و روزنامه *الجمال* به‌مثابه کاربر این گفتمان بود. این شاخصه گفتمانی در ظاهر دال بر وجوه اشتراک میان گفتمان سنت‌گرا و اصلاح‌گرایان دینی است؛ زیرا هر دو گفتمان بازگشت به آموزه‌های قرآنی را راه‌کار گذر از شرایط بحرانی جامعه اسلامی می‌دیدند. این مشخصه حکایت از نوعی کنش بینا گفتمانی دارد که بر اساس آن بخشی از نظام باورهای گفتمان سنت‌گرا مورد پذیرش گفتمان اصلاح معرفت دینی قرار گرفته است. با این تفاوت که گفتمان اصلاح معرفت دینی از چشم‌انداز مفاهیم و برداشت‌های مدرن به تفسیر آموزه‌های قرآنی می‌پردازد.

در برداشت روزنامه *الجمال*، تمام سعادت دنیا و آخرت مسلمانان منوط به قبول احکام قرآن و اطاعت از اوامر و نواهی آن بود و مشکلات و معضلات مسلمانان به غفلت ورزیدن از احکام قرآن نسبت داده می‌شد و اینکه قرآن در این عصر به حدی متروک و مهجور شده است که معنای آن فراموش شده است. سید جمال واعظ عقیده دارد که عصر او مصداق واقعی زمانی است که پیامبر در هزار و سیصد سال پیش وعده آن را داده‌بود (*الجمال*، ش۲۶، ۱). *الجمال* در جایی دیگر تمام گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های جامعه ایران را به‌سبب عمل نکردن به قرآن و عدم توجه به آن می‌داند. اینکه گروهی از مسلمانان به سراغ قانونی غیر از قرآن رفتند، غافل از اینکه قانون اصلی ما مسلمانان قرآن است و حکم خدا در قرآن درباره همه مردم از شاه تا گدا یکسان است (*الجمال*، ش۳۰، ۱).

آسیب‌شناسی روزنامه *الجمال* از غفلت مسلمانان از قرآن و آموزه‌های آن ارجاع به پدیده استبداد است. بر این اساس استبداد اعم از جسمانی و روحانی اجازه نمی‌داد که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

مسلمانان، قرآن و مفاهیم آن را درک کنند. در صورت درک مفاهیم قرآنی نظیر عدالت، امنیت و مساوات توسط مسلمانان، پایه‌های حکومت استبداد متزلزل می‌شد (*الجمال*، ش۳۲، ۲). روزنامه *الجمال* به‌مانند سنت‌گرایان بر جامع و کامل بودن قرآن و قابلیت آن در حل تمامی مشکلات مسلمانان انگشت تائید می‌نهد. چنانکه سید جمال واعظ در این راستا چنین می‌نویسد: «کم‌کم معلوم شد که قرآن منحصر به این نیست که فرموده باشد نماز بخوانید و روزه بگیرید، شراب نخورید. در قرآن هم نوشته است ظلم نکنید بلکه ظلم را بدتر از هر معصیتی فرموده و عقاب او را از هر معصیتی زیادتر فرموده و فرموده است اگر کسی نماز نخواند احتمال دارد من او را بیامرزم اما اگر کسی در حق دیگری ظلم کرد از گناه او نمی‌گذرم (*الجمال*، ش۲٤، ۱).

سید جمال واعظ معتقد به جاودانه بودن قرآن است. او دین اسلام را بهترین دین و قرآن را نیز بهترین کتاب آسمانی می‌داند. او معتقد است خداوند برای هر پیغمبری معجزه‌ای قرار داد و معجزه پیامبر اسلام نیز قرآن بود. اما نکته مهم اینجاست که معجزات سایر پیامبران بعد از وفات آن‌ها از میان رفت اما معجزه پیامبر اسلام هرگز از میان نخواهد رفت و احکام دین قرآن تا روز قیامت باقی خواهد ماند. از مجموع اشارت‌هایی که در *الجمال* پیرامون بازگشت به آموزه‌های اصیل قرآنی وجود دارد می‌توان به وجوه شباهت و اشتراک زیاد میان گفتمان سنت‌گرا و اصلاح معرفت دینی پی برد. مشخصه‌ای که حکایت از نوعی کنش بینا گفتمانی از سوی روزنامه *الجمال* دارد. زیرا هر دو راه حل گذر از شرایط موجود را در متن مقدس می‌جویند. آنچه میان این دو گفتمان ایجاد تمایز می‌کند منظر و چشم‌اندازی است که بر اساس آن به تفسیر آموزه‌های قرآنی می‌نشینند. زیرا برخلاف گفتمان سنت‌گرا که تصور منفی از عناصر فرهنگی جهان غرب دارد، گفتمان اصلاح معرفت دینی در پی ارائه تفسیری از آموزه‌های قرآنی است که در سازگاری با عناصر مطلوب مدرنیته قرار دارد.

۲-نهاد روحانیت و مناسباتش با نهاد سیاست

روزنامه *الجمال* توجه ویژه‌ای به موضوع روحانیت در مبحث اصلاح فکر دینی دارد و بر آن است تا مناسبات روحانیون گفتمان سنت‌گرا با نهاد سیاست را به چالش بکشد. در این راستا سید جمال واعظ ابتدا نقش و اهمیت زیاد قشر روحانیت را در جامعه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

نشان می‌دهد و سپس به موضوع اتحاد «استبداد روحانی» -گروه عالم نما و شبه روحانیون- با استبداد سیاسی می‌پردازد و در آخر نیز تمام تلاش خود را برای شناساندن عالم حقیقی از گروه عالم نماها و شبه روحانیون و مهم‌تر از آن شناسایی افکار آنها از یکدیگر انجام می‌دهد. سید جمال در ابتدای مطالب خود با تأسی به حدیثی از پیامبر، نقش و اهمیت زیادی برای طبقه روحانیت در اصلاح و یا فساد جامعه قائل است. او دراین‌باره در روزنامه *الجمال* چنین می‌نویسد: «قال رسول‌الله ﷺ دو صنف از امت من هستند که اگر صاحب صلاح باشند امت من هم صاحب صلاح می‌شوند. و اگر این دو صنف فاسد شدند امت من هم فاسد می‌شوند، امرا و علما. پس معلوم شد که عالم باید عادل باشد، ملا باید متدین باشد، ملا باید از خدا بترسد» (*الجمال*، ش۲۲، ۲).

سید جمال بعد از اذعان به نقش پراهمیت طبقه روحانیت در طول تاریخ اشاره می‌کند که همواره بخشی از طبقه روحانیت یعنی عالم نماها و شبه روحانیون همراه و همگام با استبداد سیاسی بوده‌اند. این دیدگاه او به‌وضوح مؤید نقش استبداد سیاسی به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های مؤثر بافتار تاریخی نگارش *الجمال* و تعین‌بخش ایده‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی است. متأثر از این شرایط بافتاری روزنامه *الجمال* تأکید می‌کند که از بازاندیشی تاریخ و اخبار و احادیث به این نکته رهنمون می‌شویم که هر ظلمی در عالم به‌واسطه اتحاد و یکی شدن این دو شاخه از استبداد جسمانی و استبداد روحانی با یکدیگر بوده است (*الجمال*، ش۲۳، ۱). این دو دسته از استبداد همواره در برابر مردم شرایطی را پدید می‌آوردند تا مردم هیچ‌گاه به ریشه‌های ظلم و استبداد پی نبرند. *الجمال* درباره اتحاد دو شاخه از استبداد جسمانی و استبداد روحانی چنین می‌نویسد: «بعد از پیغمبر ما هر ظلمی که بر ما مسلمان‌ها وارد شد به‌واسطه اتحاد این دو دست بود. ائمه ما را شهید نکردند مگر بواسطه اتحاد این دو دست، خانه‌نشین نکردند مگر بواسطه اتحاد این دو دست، ممالک اسلامی ضعیف نشد مگر بواسطه اتحاد این دو دست، فرنگی‌ها بر مسلمان‌ها استیلا و غلبه پیدا نکردند مگر بواسطه اتحاد این دو دست. مختصر هر چه به سر ما آمد از اتحاد این دو دست بود» (*الجمال*، ش۲۳، ۲).

الجمال پس از نشان دادن ارتباط قوی میان این دو شاخه از استبداد تصریح می‌کند

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

که انقلاب مشروطه به اتحاد این دو قـوه از اسـتبداد خاتمـه داد و مـردم را نسـبت بـه حقوقشان آگاه کرد. صرف‌نظر از ارتباطی که سید جمال واعظ میان دو شاخه از استبداد و تأثیر آن بر سرنوشت جامعه برقرار می‌کنـد، نـوع نگـاه او نیـز بـه جریـان مشـروطه قابل‌توجـه اسـت. درواقـع نظـام سیاسـی مشـروطه یکـی از عناصـر مطلـوب گفتمـان تجددخواه است که از سوی گفتمان اصلاح معرفت دینی جذب شد. زیرا کاربران ایـن گفتمان همچون سید جمال واعظ آن را قطع کننده دوران طولانی اسـتبداد و سـتمگری می‌دانند و از مردم می‌خواهد که قدر و ارزش آن را بدانند.

۳- ضرورت بازگشت به اسلام اصیل

رهبران و پیشگامان جریان اصلاح معرفت دینی هنگامی‌که اسلام زمان خودشان را با تلقی خود از اسلام اصیل مقایسه می‌کردند، متوجه می‌شـدند کـه بسـیاری از باورهـا و آموزه‌های دینی نه‌تنها منطبق با احکام اسلام اصیل نیست بلکه در بسیاری از مـوارد بـه ضد آن نیز تبدیل‌شده است. آنان تنها راه کسب قـدرت و سـیادت مجـدد مسـلمانان را بازگشت به آموزه‌های اسلام اصیل به‌دوراز هرگونـه بـدعت‌هـای گذشـته مـی‌دانسـتند (شرابی، ۵۰-۵۱). این شاخصه گفتمان اصلاح معرفت دینـی نـوعی طعنـه بـه گفتمـان سنت‌گرا بود؛ چرا که از دید اصلاح‌گرایانی چون سید جمال واعظ سنت‌گرایان متهم به افزودن زوائدی به دین و کنار گذاشتن روح حقیقی آن بودند. بنابراین این جریان تلاش می‌کرد به بازخوانی آموزه‌های دینی بپردازد و بازگشت به آموزه‌های اصیل اسلامی را از طریق استخراج آنها از دل اسلام و اخبار و روایات مربوط به صدر اسلام و زمان ائمـه دنبال کند.

الجمال در شماره اول به تعریف یکی از آموزه‌های اصیل اسـلامی یعنـی «مسـاوات» می‌پردازد و آن را اجرای حدود خداوند بر تمام اهـل یـک ملـت بـه‌صـورت مسـاوی می‌داند. همان‌طوری که در قرآن و اخبار و احادیث مـابین شـاه و گـدا فرقـی گذاشـته نشده، حدود الهی نیز باید به‌صورت مساوی در حق همه رعایت و اجرا شود (*الجمـال*، ش۱، ۱). سید جمال واعظ مبنای ترقی و اساس افتخار و سربلندی هر ملت و مملکتـی را منوط به اجرای حدود خدا و قانون او و به‌صورت مساوی می‌داند. هرگاه از این مبنا و اصل قصور شود آن مملکت روزبه‌روز و هر چه بیشتر تحت تسلط اجانب قرار خواهد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

گرفت و محتاج آنها خواهد شد. دین اسلام بیشتر از هر دین دیگری بر اصل مساوات تأکید کرده و آن را محترم شمرده است. سید جمال در ادامه همین بحث به نقل آیاتی از قرآن و احادیث می‌پردازد که در آنها به رعایت اصل مساوات در اسلام بسیار تأکید شده است (*الجمال*، ش۲، ۱). اگر کسی به دیگری ظلم کند اعم از اینکه عالم، ملا، طلبه، شاهزاده، وزیر و یا حتی خود حاکم باشد باید بر اساس قانون اسلام به مجازات برسد (*الجمال*، ش۳، ۱).

الجمال همچنین ابراز تأسف می‌کند از اینکه به‌واسطه وجود جهل و نادانی و بی‌سوادی به اصول اصیل اسلامی توجهی نمی‌شود و این آموزه‌های اصیل اسلامی در جایی مثل ممالک فرنگ که مسلمان نیستند، پیاده و اجرا می‌شود، اما جوامع اسلامی با داشتن چنین آموزه‌هایی از آن‌ها غافل‌اند. از سوی دیگر سیدجمال واعظ به روحیه ظلم‌پذیری مسلمانان عصر خود می‌تازد و معتقد است که بنا به‌تصریح قرآن و روایات، مظلومان و ستم دیدگان نیز در به‌وجودآوردن فضای ظلم و استبداد مقصرند؛ چون نباید به‌راحتی به پذیرش ظلم و استبداد بپردازند و باید با آن به مقابله و مبارزه برخیزند. *الجمال* برای تقویت روحیه ظلم‌ستیزی مخاطبان خود، در یکی از منبرها دست‌خط حاجی میرزا حسین تهرانی را بر بالای منبر قرائت کرد، که در آن به‌طور خلاصه چنین می‌گوید: «بر عموم مسلمانان و رعایا لازم است که بعدها حکام جور را به‌هیچ‌وجه در عهده نشناسند» (*الجمال*، ش٦، ۳).

الجمال در ادامه تأکید بر ضرورت بازگشت به آموزه‌های اصیل اسلامی بیان می‌کند بر تمام مسلمانان واجب است که بنا به سفارش پیامبر اسلام و ائمه، اولاد خود را بعد از آموزش اصول و فروع دین، درس سربازی و توپ اندازی و علم جنگ و جهاد بیاموزند و یا اگر تاجرزاده است علم تجارت را به او بیاموزند و عقیده دارد که استعداد ایرانی‌ها در این زمینه‌ها از اهالی فرنگ بسیار بیشتر است، اما آنها به‌واسطه علم و تلاش به این مقام بلند رسیده‌اند، اما مسلمانان به جهت بی‌علمی و تنبلی ذلیل آنها و محتاج به صنایع آن‌ها شده‌اند. او از مردم می‌خواهد حال که به‌واسطه انقلاب مشروطه فضای مناسبی فراهم شده است و مردم اندکی از خواب غفلت بیدار شده‌اند به اصلاح خرابی‌های گذشته همت نمایند تا بدین طریق بتوانند اسلام و جوامع اسلامی را از ذلت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

و حقارت بیشتر در نزد ملل خارجه و بیگانگان مانع شوند (*الجمال*، ش۱۲، ۲).

٤- جذب عناصر مطلوب فرهنگی مدرنیته

از مهم‌ترین شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در اندیشه سید جمال واعظ تأکید بر ضرورت فرآیند فرهنگ‌پذیری از تمدن غربی است. عقل‌گرایی به‌عنوان یکی از مفاهیم و اصول عمده تمدن غرب در دوره روشنگری موردتوجه قرار گرفت. هدف آن در معرض انتقاد و آزمایش قرار دادن عقاید، عرف، رسوم و اثبات آن‌ها با ملاک‌های عقلی بود. عقل‌گراها عقل را تنها منبع دانش و معیار حقیقت می‌دانستند (طاهری بنچاری، ٤١-٤٣). این تأکید سید جمال واعظ حکایت از نوعی کنش بینا گفتمانی است که البته با نوعی بومی‌سازی برای مخاطبان عام صورت‌بندی شده و عرضه می‌شود.

سید جمال بیشترین تأثیر را از مشروطه‌خواهی میانه‌رو پذیرفته که ویژگی بارز آن پذیرش مشروطه با صبغه مذهبی بود. تفکری که نشانه‌های آن را می‌توان در دو کتاب *لباس التقوی* و *رویای صادقه* از دیگر آثار سید جمال نیز دید. او در چارچوب این تفکر، مفاهیم مدرن را با ادبیات دینی توضیح می‌دهد. برای نمونه او آزادی و انتقاد و وجود مطبوعات آزاد را مصداق امربه‌معروف و نهی از منکر می‌داند. (*الجمال*، ش ۱۹). سید جمال در متن نشریه بارها از آیات قرآن، احادیث پیامبر و روایات ائمه به نقل از *نهج‌البلاغه* (ش ۱۷)، *خصال* شیخ صدوق (ش ۲۳)، *عیون اخبارالرضا* (ش ۱۹) و *بحارالانوار* (ش ۱۸) می‌پردازد. در همین راستا او اصل امربه‌معروف و نهی از منکر را، که در نظرش این‌همه در قرآن و احادیث بر آن تأکید شده است، معادل با ایده روشنگری از آزادی بیان قرار می‌دهد. او وجود اصل امربه‌معروف و نهی از منکر در دین را به سلطان مقتدری تشبیه می‌کند که حافظ سایر تکالیف و احکام در دین است و رعایت این اصل همچون نماز و روزه بر تمام مسلمانان واجب است (*الجمال*، ش۹، ۳).

روزنامه *الجمال* ضمن جذب ایده قانون‌گرایی در نزد گفتمان‌های تجددخواه، مردم را به اطاعت از قانون اساسی مشروطه دعوت می‌کند. او معتقد است این قانون مطیع و مجری احکام قرآن است و اینکه مردم هر چه بیشتر به قرآن و احکام آن عمل کنند به همان اندازه نیز مملکتشان به پیشرفت و ترقی نائل خواهد شد و عقیده دارد اگر مردم بر اساس قرآن عمل می‌کردند و به قانون عدالت و مساوات که در قرآن نیز وجود دارد،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

پایبند بودند، این‌چنین تحت تسلط بیگانگان و استعمار واقع نمی‌شدند و مساواتی که در قانون اساسی مشروطه به آن اشاره شده، همان مساواتی است که در قرآن نیز نقل آن آمده است. او در یکی از شماره‌های *الجمال* به‌منظور تأکید بر اهمیت قانون‌گرایی چنین می‌گوید: «ایهاالناس هیچ مملکت شما را آباد نمی‌کند مگر ملاحظه قانون مگر حفظ قانون مگر احترام قانون مگر اجرای قانون. قانون باز هم قانون ایضاً قانون. اطفال باید از طفولیت و در مکاتب و مدارس قانون بخوانند و بدانند که هیچ معصیتی در شریعت و دین بالاتر از قانون نیست... مختصر آبادی مملکت؛ شیرازه‌بندی ملیت و قومیت هر ملت منوط است باجراء قانون» (*الجمال*، ش۳۵، ۲-۳).

مسئله حقوق اهل ذمه و اقلیت‌های دینی، یکی دیگر از موضوعاتی است که در نتیجه انقلاب مشروطه در فضای فکری جامعه پدید آمد. سید جمال واعظ و روزنامه *الجمال* نیز از این جریان متأثر بودند. سید جمال در این راستا به آیات قرآن متوسل می‌شود و بیان می‌کند که یکی از معانی آزادی مستخرج از قرآن این است انسان هنگامی‌که از منزل خود خارج می‌شود خواه مسلمان یا غیرمسلمان نبایستی به‌جز از احکام خدا و پیغمبران او از هیچ‌چیز و هیچ‌کس ترسی داشته باشد و در خطاب به مسلمانان می‌گوید آنها در صورتی آسوده و آزاد خواهند بود که یهودی‌های مملکت آنها از هیچ‌کس غیر از حکم خدا و قرآن و قانون از احدی نترسند. سید جمال در ادامه گریزی به وضعیت یهودیان در ایران می‌زند و از وضعیت آنها در یک مملکت اسلامی ابراز تأسف می‌کند. او دراین‌باره چنین می‌نویسد: «نه مثل حالیه که یهودی بیچاره در کوچه عبور می‌کند یکی توی سرش می‌زند، یکی می‌گوید برای من شعر بخوان، یکی می‌گوید به حضرت موسی فحش بده. وقتی هم کسی از آنطرف عبور می‌کند بعوض اینکه آنها را منع کند آفرین به آنها می‌گوید و بیشتر آنها را به اذیت و صدمه زدن وامی‌دارد (*الجمال*، ش۱۰، ۳).

سید جمال با مقایسه نحوه رفتار با اهل ذمه در صدر اسلام با عصر خودش درصدد آن است که اولاً میزان این فاصله را در نوع رفتار با اهل ذمه نشان دهد و در مرتبه دوم تا حد امکان از میزان این فاصله بکاهد. *الجمال* درجایی بیان می‌کند همه آنهایی که رعیت خارجه هستند ولی در ایران ساکن‌اند، جزو اهل ذمه محسوب می‌شوند و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

محافظت از جان و مال و ناموس و شرف آنها لازم و واجب است. نگاه سید جمال درباره زردشتیان نسبت به دیگر گروه‌های اهل ذمه، نگاه خاص و ویژه‌تری است. او زردشتیان را جزو فارسیان حقیقی می‌داند و آن‌ها را از نوع ایرانیان اصیل و نجیب به شمار می‌آورد و مراعات حال این طایفه را بر همه اهالی دولت و مجلس شورای ملی لازم می‌داند. سید جمال اظهار امیدواری می‌کند فضای کشور به نحوی مطلوب شود تا زردشتیان ایرانی سالکن در ممالک دیگر بتوانند با فراغ خاطر به وطن اصلی خود بازگردند. او دراین‌باره چنین می‌نویسد: «امیدواریم قسمی با این طایفه نجیبه قدیمه رفتار شود که مهاجرین چندین ساله فارسیان که به‌واسطه فشار ظلم دست از وطن عزیز خودشان برداشته مجبور به جلای وطن شده‌اند باز با کمال دلگرمی برگردند بر سر خانه خودشان. ولی جای هزار افسوس است که اغراض نفسانی نمیگذارد که حکم خدا جاری شود» (*الجمال*، ش۲٤، ۳). سید جمال عقیده دارد در عصر جدید که همه به دنبال ترقی و پیشرفت هستند، ملل خارجه از نوع رفتار مسلمانان با اهل ذمه متعجب و دلسرد خواهند شد. او از شدت جهل و نادانی مردم درباره نحوه برخورد توهین‌آمیز نسبت به اهل ذمه ابراز گلایه می‌کند (*الجمال*، ش۳۲، ۲).

از دیگر عناصر فرهنگی مدرنیته که نظر سید جمال واعظ را به خود جلب کرده پذیرش روحیه علم‌گرایی و دستاوردهای تکنولوژیک تمدن غربی بود. به همین جهت در روزنامه *الجمال* شاهد تأکیدهای مکرر سید بر موضع‌گیری مثبت مردم نسبت به علم و دستاوردهای علمی هستیم. در تلقی سید جمال این روحیه می‌توانست راه گریزی برای رهایی از شرایط اسفبار مسلمانان در آن برهه تاریخی باشد (*الجمال*، ش۱۲، ۲). او در ادامه آسیب‌شناسی خود از شرایط بحرانی جامعه عصر مشروطه چنین می‌گوید: «من چه بکنم که عمامه حجه الاسلام باید پارچه‌اش از فرنگستان بیاید کفن مرده‌هامان از پارچه روس و انگلیس است آخر مگر آنها آدم نیستند، جن که نیستند آنها هم مثل شما انسانند... ایران مثل یک خانه‌خرابه میماند که اطراف این خانه آباد شده و این یک قطعه همین‌طور خراب مانده و حال‌آنکه در سابق از تمام ممالک آبادتر و جمعیتش زیادتر بوده. ای ایرانیها چه بکنیم که استبداد و ظلم نگذاشت شما چیز بفهمید علم و سواد پیدا کنید تاریخ بخوانید» (*الجمال*، ش۲۵، ۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

نتیجه‌گیری

مواجهه نخبگان ایرانی با پیشرفت‌های تمدن غربی در عصر قاجار و احساس عقب‌ماندگی ناشی از آن، عصر مشروطه را به برهه تاریخی سرنوشت‌سازی در تاریخ ایران تبدیل کرد. در این دوره، که از آن با عنوان عصر گذار از سنت به تجدد یاد می‌شود، شاهد کشمکش‌های گفتمانی نیروهای ترقی‌خواه، سنت‌گرا و اصلاح‌گرایان دینی در مورد چگونگی سامان‌دهی به حیات سیاسی و اجتماعی و مهم‌تر از آن میزان و شیوه دخالت دین در این خصوص هستیم. کشمکشی که همچنان به حیات خود در میان نخبگان ایران معاصر ادامه می‌دهد. با عطف نظر به اهمیت این کشمکش‌های گفتمانی، تحلیل و بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی از طریق بررسی شماره‌های مختلف روزنامه *الجمال* صورت گرفت. چارچوب نظری مقاله در بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی تحلیل انتقادی گفتمان بود. بر اساس این چارچوب نظری، هر گفتمان در نسبت با یک شرایط تاریخی شکل می‌گیرد و به‌واسطه مؤلفه‌های این بافتار تاریخی است که تعیّن می‌یابد. از سوی دیگر صورت‌بندی هر گفتمان در خلأ تحقق نمی‌یابد، بلکه گفتمان‌ها با تأثیرپذیری از دشواره‌های بافتار تاریخی خود و با جذب عناصر گفتمان‌های رقیب صورت‌بندی می‌شوند. پدیده‌های که در تحلیل انتقادی گفتمان تحت عنوان کنش بیناگفتمانی یا بیناگفتمانیت یاد می‌شود. تلقی نگارندگان بر آن است که گفتمان اصلاح معرفت دینی با منطقی مشابه منطق مورد ادعای تحلیل انتقادی گفتمان صورت‌بندی شده است. بر این اساس دشواره‌های بافتار تاریخی عصر مشروطه همچون استبداد داخلی، استعمار خارجی و نوع واکنش به دستاوردهای دنیای مدرن، کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی را به سمت کنش بینا گفتمانی جذب عناصر مطلوب گفتمان‌های سنت‌گرا و تجددگرا سوق داد. روزنامه *الجمال* به‌مثابه یکی از کاربران این گفتمان کوشید تا ضمن طرح شعار بازگشت به اسلام اصیل و آموزه‌های قرآنی، با روی باز پذیرای عناصر مطلوب دنیای مدرن باشد. در همین راستا مفاهیمی همچون آزادی بیان، آزادی عقیده، علم‌گرایی و قانون‌گرایی را با تعابیر قرآنی تائید و تشریح کرد. نتیجه آنکه روزنامه *الجمال* به‌مثابه یکی از کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی کنش بینا گفتمانی، جذب عناصر مطلوب از گفتمان‌های سنت‌گرا و تجددخواه را رهیافتی مناسب در پاسخ به دشواره‌های زمانه خود می‌دید.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

منابع

ـ آدمیت، فریدون، ایدئولوژی *نهضت مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۵ش.

ـ براون، ادوارد، *مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ج ۲، ترجمه: محمد عباسی، تهران: معرفت، ۱۳۳۷ش.

ـ برمن، مارشال، *تجربه مدرنیته*، ترجمه: مراد فرهادپور، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹ش.

ـ جمال‌زاده، محمدعلی، *سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی و بعضی مبارزات او*، یادنامه سید محمدعلی جمال‌زاده، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۷۷ش.

ـ راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: نگاه، ۱۳۷۸ش.

ـ شرابی، هشام، *روشنفکران عرب و غرب: سال‌های تکوین ۱۹۱٤-۱۸۷۵*، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳٦۹ش.

ـ طاهری بنچاری، میثم، *فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ش.

ـ فراستخوا، مقصود، *سرآغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیردینی)*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ش.

ـ قهرمانی، مریم، *ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه شناختی*، تهران: ناشر مؤلف، ۱۳۹۲ش.

ـ کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳٦۳ش.

ـ لاپیدوس، ایرا. م، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه: علی بختیاری زاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸ش.

ـ مک کارتی، ای. دی، *معرفت به‌مثابه فرهنگ*، ترجمه: کمال خالق پناه و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات – فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸ش.

ـ هال، استیوئرت، معنا، *فرهنگ و زندگی اجتماعی*، ترجمه: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱ش.

ـ یارمحمدی، لطف‌الله، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: نشر هرمس، ۱۳۸۳ش.

ـ یغمایی، اقبال، *شهید راه آزادی سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی*، با مقدمه سید

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

محمدعلی جمال‌زاده و باستانی پاریزی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۵ش.
ـ یورگنسن، ماریا و فیلیپس، لوئیز، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲ش.
ـ یوسفی اشکوری، حسن، *نوگرایی دینی: نقد و بررسی جنبش اسلامی معاصر*، تهران: قصیده، ۱۳۷۷ش.
ـ روزنامه *الجمال*، شماره ۱، ۱۳۲۵ ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مساوات»، ش ۲، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مساوات»، ش ۳، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «در معنی حریت»، ش ٦، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «در معنی آزادی»، ش ۹، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین در معنی آزادی کلام و آزادی قلم»، ش ۱۰، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه امتیاز فضلی از مواعظ آقای سید جمال‌الدین»، ش ۱۲، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ سید جمال‌الدین در معنی حقوق»، ش ۲۲، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ سید جمال‌الدین واعظ درباره حقوق»، ش ۲۳، ۱۳۲۵
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین»، ش ٢٤، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین»، ش ۲۵، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ آقا سیدجمال الدین در قرآن»، ش ٢٦، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین»، ش ۳۰، ۱۳۲۵ق.
ـ ..... *الجمال*، «مواعظ سید جمال واعظ در حقوق»، ش ۳۲، ۱۳۲٦ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ آقا سید جمال‌الدین در معنی حقوق»، ش ۳۲، ۱۳۲٦ق.
ـ ..... *الجمال*، «بقیه مواعظ آقا سید جمال‌الدین در معنی حقوق»، ش ۳۵، ۱۳۲٦ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.4.6]
[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]